



# نظم الأناط المبدعات من كتاب الإشارات

تأليف

ابونصر فتح بن موسى خضراوى

(٥٨٨-٥٦٦٣ ق.)

تصحیح

علی اوجہی



- سرشناسه : خضراوی، فتح بن موسی، ۵۸۸ - ۶۶۳ ق.
- عنوان و نام پدیدآور : نظم الانماط المبدعات من کتاب الاشارات / تألیف ابونصر فتح بن موسی خضراوی؛ تصحیح علی او جیبی.
- مشخصات نشر : تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری : چهل و سه، ۱۵۸، ۹ ص.
- فروست : میراث مکتوب؛ ۳۷۴. علوم و معارف اسلامی؛ ۷۸.
- شابک : 978-600-203-259-1
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- یادداشت : عربی.
- یادداشت : کتاب حاضر مقدمه فارسی دارد.
- یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۵۵] - ۱۵۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
- یادداشت : نمایه.
- موضوع : ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق. الاشارات و التنبيهات - شعر
- موضوع : شعر عربی - قرن ۷ ق.
- Arabic poetry - 13th century
- فلسفه اسلامی - شعر
- Islamic philosophy - Poetry
- شناسه افزوده : او جیبی، علی، ۱۳۴۳ - ، مصحح
- شناسه افزوده : مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
- رده بندی کنگرد : PJA ۴۲۷۲/۵
- رده بندی دیویی : ۸۹۲/۷۱۳۴
- شماره کتابشناسی ملی : ۸۷۴۲۷۰۶
- اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نظم الأناط المبدعات  
من كتاب الإشارات

تأليف

ابولفرح بن موسى خضراوى

(٥٨٨-٥٦٣ هـ. ق)

تصحیح

على اوجى



## نظم الأنماط المُبدعات

من كتاب الإشارات

تأليف: ابونصر فتح بن موسى خضراوى (۵۸۸ - ۶۶۳ هـ. ق)

تصحیح: علی اوجبی

ناشر: میراث مکتوب

مدیر تولید: محمد باهر

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی: مصطفی امیری

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها: ۸۵۰۰۰ تومان

شابک: ۱ - ۲۵۹ - ۲۰۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸

چاپ (دیجیتال): میراث

شماره فروش:

---

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است  
نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: [tolid@MirasMaktoob.ir](mailto:tolid@MirasMaktoob.ir)

<http://www.MirasMaktoob.ir>

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دریابی از فریبنگ پرمایه اسلام و ایران در بخش‌های خطی موج می‌زند. این نسخه‌ها در حقیقت، کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ هویت نامده ایرانیان است. بر عمده‌ترین است که این میراث پراج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فریبنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

با همه کوشش‌هایی که در سال‌های اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و متع در آنها انجام گرفته و صد کتاب و رساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کارنا کرده بسیار است و هزاران کتاب و رساله خطی موجود در کتابخانه‌های دولتی و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگرچه بارها با طبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد.

احیاء و نشر کتاب‌ها و رساله‌های خطی و طبع‌های است بر روش محققان و مؤسسات فریبنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاد شد تا با حمایت از کوشش‌های محققان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فریبنگی و علاقه‌مندان به دانش و فریبنگ سحمی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه‌ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعه فریبنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

اکب ایرانی

مدیرعامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

## تقدیم به

آن که نفس کشیدن در بوستان لایتناهای ربوبی و عشق ورزی  
به جمال الهی و مهربانی، مهرورزی، فروتنی و ساده‌زیستی  
را به قدر وجود رنجور و ناتوانم به من آموخت.

زنده باد

حسن‌زاده آملی



---

## فهرست مطالب

---

◆◆◆

|   |           |
|---|-----------|
| سخن آغازین .....                                      | یازده     |
| یادداشت آغازین .....                                  | سیزده     |
| پیش‌نوشتار .....                                      | نوزده     |
| مقدمهٔ مصحح .....                                     | بیست و یک |
| دورنمایی از شرح حال ناظم .....                        | بیست و یک |
| آثار و نوشته‌ها .....                                 | بیست و دو |
| اشارات و تنبیهات .....                                | بیست و سه |
| چرایی و اهمیت به نظم در آوردن متون مهم و کلاسیک ..... | سی و شش   |
| اثر حاضر .....  | سی و هشت  |
| روش و سبک خضراوی .....                                | سی و هشت  |
| نسخه اساس و روش تصحیح .....                           | سی و نه   |

## نظم الأنماط المُبدعات من كتاب الإشارات

- النمط الثامن - معدن الإفادة في البهجة و السعادة ..... ٥
- <[المسئلة] الأولى > - <في أن اللذات الباطنة أقوى من اللذات الحسيّة > ..... ٧
- <المسئلة الثانية > - <في اللذة و الألم > ..... ١٣
- <المسئلة الثالثة > - <في اللذة و الألم العقليّين > ..... ١٩
- <المسئلة الرابعة > - <في مراتب الأشقياء و السعداء > ..... ٢٥
- <المسئلة الخامسة > - <في مراتب الموجودات في اللذة و الابتهاج > ..... ٣٣
- النمط التاسع - نُزهة الناظرين في مقامات العارفين ..... ٣٩
- <الفصل الأوّل > - <في بيان فضيلة العارفين > ..... ٤١
- <الفصل الثاني > - <في مراتب السالكين > ..... ٤٣
- <الفصل الثالث > - <في تغائر الزهد و العبادة > ..... ٤٥
- <الفصل الرابع > - <في النبوة > ..... ٤٧
- <الفصل الخامس > - <في مراد العارف و غرضه بالذات من العبادة > ..... ٥١
- <الفصل السادس > - <في درجات العارفين و هي إحدى عشرة > ..... ٥٥
- <الأولى > - <درجة المريردين > ..... ٥٥
- <الدرجة الثالثة > - <هي درجة اللوائح > ..... ٥٨
- <الدرجة الرابعة > - <و هي درجة التذكّر > ..... ٥٩
- <الدرجة الخامسة > - <و هي درجة الأنس > ..... ٦٠
- <الدرجة السادسة > - <و هي درجة المعارفة > ..... ٦١
- <الدرجة السابعة > - <هي درجة الحضور > ..... ٦٢
- <الدرجة الثامنة > - <و هي درجة التملّك > ..... ٦٣
- <الدرجة التاسعة > - <و هي درجة الاعتبار > ..... ٦٤
- <الدرجة العاشرة > - <و هي درجة التردّد > ..... ٦٥
- <الدرجة الحادية عشر > - <و هي درجة الوصول > ..... ٦٦

<الفصل السابع - > <في أن كل درجة هي قبل درجة الوصول فهي ناقصة بالقياس إليها > ..... ٤٧

<الفصل الثامن - > <في جملة مقامات العارفين من أول السلوك إلى منتهى الوصول > ..... ٤٩

<الفصل العاشر - > <في أخلاق العارفين و أحوالهم > ..... ٧٣

<الفصل الحادي عشر - > <في قلة العارفين > ..... ٧٩

النمط العاشر - إظهار الغايات في أسرار الآيات ..... ٨١

<الفصل الأول - > <إن العارف قد يمسك عن القوت مدة > ..... ٨٣

<الفصل الثاني - > <في أن العارف قد يتمكن من الأفعال الشاقة > ..... ٨٩

<الفصل الثالث - > <في سبب الإخبار عن الغيب > ..... ٩٣

[المسئلة] <الأولى - > <في الإشارة إلى البرهان > ..... ٩٤

<المسئلة الثانية - > <في أن الجزئيات الصادرة منقوشة في العالم العلوي > ..... ٩٥

<المسئلة الثالثة - > <في إمكان انتقاش نفوسنا بنقش العالم العقلي > ..... ٩٧

<المسئلة الرابعة - > <في أن النفس قد تشتغل ببعض القوي عن البعض > ..... ٩٨

<المسئلة الخامسة - > <في أسباب المشاهدة > ..... ٩٩

<المسئلة السادسة - > <في أن المشاهدة قد تكون من سبب داخل > ..... ١٠١

<المسئلة السابعة - > <في المانع عن عمل المتخيلة في الحس المشترك > ..... ١٠٢

<المسئلة الثامنة - > <في بيان حالة يزول شاغلان معاً > ..... ١٠٣

<المسئلة التاسعة - > <في بيان حالة نزول شاغل واحد > ..... ١٠٥

<المسئلة العاشرة - > <في بيان استعداد النفس > ..... ١٠٦

<المسئلة الحادية عشر - > <في كيفية ارتسام الصور العقلية في الحس المشترك بسبب النفس > ..... ١٠٧

<المسئلة الثانية عشر - > <سبب وقوع ذلك في اليقظة > ..... ١٠٩

<المسئلة الثالثة عشر - > <في مقدمة ينتفع بها في أحوال هذه المشاهدة > ..... ١١٠

<المسئلة الرابعة عشر - > <في سبب الاحتياج إلى التأويل والتعبير > ..... ١١٢

- ١١٤ <المسئلة الخامسة عشر> - <في فروع هذه الأقسام> .....
- ١١٥ <المسئلة السادسة عشر> - <في أسباب أخرى للنطق بالغيب> .....
- ١١٨ <المسئلة السادسة عشر> - <في تجربة أسباب هذه الأحوال> .....
- ١٢١ <الفصل الرابع> - <في سبب خوارق العادات> .....
- ١٢١ [المسئلة] <الأولى> - <في المنع من الاستنكاف> .....
- ١٢٣ <المسئلة الثانية> - <في بيان سبب ذلك بالتفصيل> .....
- ١٢٦ <المسئلة الثالثة> - <في سبب حصول تلك القوّة لبعض النفوس> .....
- ١٢٧ <المسئلة الرابعة> - <في الفرق بين النبيّ و الوليّ و الساحر> .....
- ١٢٨ <المسئلة الخامسة> - <في ما يؤكّد وجود القسم الثاني> .....
- ١٢٩ <المسئلة السادسة> - <في حصر أسباب الغرائب و العجائب> .....
- ١٣٣ خاتمة و وصيّة .....

- ١٣٥ نمايهها. ....
- ١٣٧ ١. كسان .....
- ١٣٧ ٢. گروهها. ....
- ١٣٩ ٣. كتابها .....
- ١٣٩ ٤. اصطلاحات و موضوعات .....
- ١٥٥ فهرست منابع و مأخذ .....

---

## سخن آغازین

---

به نام آن که جان رافکرت آموخت

در خرابات مغان نور خدا می بینم  
این عجب بین که چه نوری ز کجا می بینم

فروردین سال گذشته بود که دوست دانشمندم، جناب آقای اوجبی، در حین پیاده روی به سوی منزل، فرازهایی از منظومه حاضر را برایم خواند. بدون مبالغه باید بگویم به وجد آمدم. از یک سو به یاد دوران طلبگی و فراگیری شرح منظومه سبزواری افتادم و از سوی دیگر پیش خود گفتم: «ای کاش این سینا این متن مهم فلسفی یعنی اشارات را که برای آموزش اندیشه های ناب فلسفی خود نوشته، به نظم درآورده بود! شاید هم در این اندیشه بوده، اما شرایط مساعد نبوده.» زیرا شاعران بخوبی می دانند که شعرگونه ای از الهام است که به یکباره از درون می جوشد. شعر اختیاری نیست. پس از درگیری ذهن، از جان شاعر بیرون می تراود. چند سال پیش (در تابستان سال ۱۳۹۴) بود که هنگام آمدن به سوی مؤسسه حکمت و فلسفه پس از ساعتها اندیشیدن و مشغولیت ذهنی، در ماشین یک دو بیته به ذهن رسید. بشتاب پاره کاغذی یافتم و آن را نوشتم و هنگام ورود به کلاس به جناب اوجبی - که علاقه وافری به وی دارم - دادم.

خود خود است البته اما هر خودی      خود شود آن گه بجوید بی خودی  
بی خودی جویی همانا بی خودی است      آن کسی خود شد که غرق بی خودی است  
می دانیم که ابن سینا در شرایط اجتماعی مناسبی نبود. پیوسته در حال فرار و گریز  
بود. سالهای پایانی با بیماری سخت نیز دسته و پنجه نرم می کرد. شاید هم اگر متن  
اشارات را به نظم درآورده بود، به این زیبایی از آب در نمی آمد.

به هر حال، اینک خوشحالم که دست تقدیر چنین رقم خورد تا در قرن هفتم، ابونصر  
خضراوی، عالمی که در ارجوزه سرایی زبردست بوده، به اهمیت این اثر پی می برد و این  
متن جذاب را بدون تصرف در معنا و اظهار فضل و خودنمایی برای علاقه مندان فلسفه و  
ابن سینا به یادگار می نهد.

در انتها جا دارد از دوست فاضلم که سالهاست عمر خویش را هوشمندانه در احیای  
اندیشه های فیلسوفان برجسته مسلمان بویژه میرداماد صرف کرده، سپاس گویم. در  
اینجا بی اختیار یاد فیلسوف بزرگ معاصر، زنده یاد سید جلال الدین آشتیانی نازنین افتادم  
که آن به آن زندگی شریف خود را در راه احیای متون فلسفی گذاشت. خدایش رحمت  
کند. چه شجره طیبه ای از خود به یادگار نهاد. بویژه متنی که این کمترین نیز با نگارش  
مقدمه ای یاری رسان بودم.

همچنین باید از جناب آقای دکتر ایرانی که سالها از وی بی خبر بودم و پس از مدتهای  
مدید بار دیگر با چاپ آثار فلسفی چشمان ما را منور کرد، تشکر کنم. زیرا فلسفه مادر  
دانشهاست و باید همواره انتشار و احیای این گونه از منابع مهم فلسفی در صدر نهاد  
شود. علاقه مندان به فلسفه و اندیشه های فلسفی و مدرسان فلسفه ابن سینا را نیز به  
خواندن این متن جذاب فرا می خوانم و امیدوارم به کار آید.

غلامحسین ابراهیمی دینانی

دی ماه ۱۳۹۹

---

## یادداشت آغازین

---

### باسمه‌الحکیم

با آنکه ابوریحان می‌گفت: «دانش را در جامه شعر و نظم نباید عرضه کرد»<sup>۱</sup> ظاهراً از همان روزگار ابوریحان، و شاید پیشتر، برخی از دانایان شاعر و شاعران دانا، دانشها و معارف گوناگون را در قالب اشعار تعلیم می‌داده‌اند تا از برکردن و به حافظه سپردن آنها آسانتر باشد. و البته بسیاری از آثار که با این هدف آفریده‌اند، از ویژگیهای شعر، فقط وزن و قافیه را دارد و از جوهر شعری، تهی است.

منظومه‌هایی که در سده‌های نخستین برای تقریر آموزه‌های فلسفی سروده‌اند، غالباً به صورت قصیده است و از میان آنها:

۱. چکامه عینه از استاد رئیس بوعلی سینا به عربی در احوال نفس و هبوط و تعلق آن به بدن و مفارقت آن دو از یکدیگر، نزدیک سی بیت که قصیده الطیریه، النفسیه، الورقاتیه، الغراء هم خوانده شده و بارها به عربی و فارسی شرح شده و شیخ اشراق نیز

اشعاری هم مضمون با آن سروده است؛<sup>۱</sup> و من نیز پنجاه سال قبل، آن را در چکامه‌ای به نظم فارسی درآورده و سپس آن چکامه را در یک مخمس شرح کردم و این هم بند اول آن:

ای کانِ تن که ساخته از چار عنصری      اینک نهاده شد به درونِ تو گوهری  
ای کالبد که چون قفسِ آهنین دری      آمد فرود از عالم بالا کیوتری  
جاکرد در دل تو به صد ناز و دلبری

۲. قصیده‌ی خواجه ابوالهیثم احمد بن حسن جرجانی اسمعیلی مذهب، به فارسی، موسوم به چون و چرا نامه در بیش از ۸۰ بیت و مشتمل بر ۹۱ پرسش. آغاز:

یکی است صورت هر نوع و نیست زینت گذار

چرا که هیئت هر صورتی بود سیار

حکیم و شاعر بزرگ ناصر خسرو قبادیانی (م ۴۸۱ هـ در یمگان از اعمال بدخشان)، به درخواست امیر بدخشان، کتاب جامع الحکمتین را در پاسخ آن پرسشها و گشایش مشکلات دینی و معضلات فلسفی نگاشت. چنانکه محمد بن سرخ نیشابوری شاگرد جرجانی هم پیش از ناصر، شرحی به فارسی بر آن نوشت که چاپ شده است. جامع الحکمتین به فارسی است و با تصحیح و مقدمه‌ی فارسی و فرانسوی از محمد معین و هنری کریبن منتشر شده است و ناصر علاوه بر آن شرح بزرگ، شرحی کوچک نیز بر چکامه‌ی مزبور دارد که با دیوان وی چاپ شده است.

۳. منظومه حکمت یا سؤالات میر شریف آملی که قصیده‌ای در ۹۲ بیت است و نسخه خطی آن موجود است.

۴. قصیده‌ی یائیه: از میر ابوالقاسم فندرسکی (م: ۱۰۵۰ هـ). به فارسی که آن را به اقتضای چکامه‌ای از ناصر خسرو و به وزن و قافیه آن سروده و بارها آن را شرح و تخمیس

۱. بنگرید به: الذریعة، ج ۱۷، صص ۱۲۱-۱۲۲: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، ج ۲، ص ۸۱۴: وفیات الاعیان، ج ۶، صص ۲۷۰-۲۷۱.

کرده‌اند. این هم نخستین بند یکی از تخمیس‌ها:

ای که ذات در دو گیتی مظهر اسماستی      جوهری دهر را چون لؤلؤ لالاستی  
بشنو از انجام خود حرفی که از مبداستی      چرخ با این اختران نغز خوش و زیباستی<sup>۱</sup>  
صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

۵. ضرب الخاتم علی حدوث العالم: منظومه‌ای حکمی و بر خلاف غالب منظومه‌های متأخر در قالب قصیده با گرایش صدرایی در گفتگو از حدوث جهان، از محمد انور شاه کشمیری حنفی دیوبندی (م ۱۳۵۲ ه. ش) از علمای بزرگ هند که در سال ۱۴۱۵ ه. ش. به چاپ رسیده و بخشی از آن با تصحیح مجدد این جانب در ارج‌نامه مرحوم دکتر احمد احمدی منتشر شده است.

اما در دو قرن اخیر بیشتر منظومه‌های حکمی را در قالب یکی از چهره‌های مثنوی و بر وزن آن (ارجوزه) سروده‌اند و از آن میان:

۱. غرر الفرائد معروف به منظومه سبزواری از حکیم ملا هادی سبزواری (م ۱۲۸۹ ه. ش) که مشهورترین منظومه در فلسفه اسلامی است و شروح و حواشی بسیار بر آن نوشته‌اند از جمله شرح خود سبزواری و حاشیه او بر آن که همراه با اصل منظومه بارها چاپ شده و از روزگار سبزواری تاکنون کتاب درسی بوده است و بخشی از آن نیز با ترجمه و شرح انگلیسی منتشر شده و منظومه‌های فلسفی بعدی را ظاهراً به اقتضای آن سروده‌اند.<sup>۲</sup>

۲. ارجوزه فی الفلسفة: در چند فن و اول آن در امور عامه در چند مقاله. مقاله نخست در احکام نفیس وجود از شیخ محمدحسن سبزواری که در سال ۱۲۹۲ از نظم آن فراغت یافت و در سال ۱۲۹۴ شرحی به نام کاشف الاسرار بر آن نوشت و نسخه خطی آن موجود است.

۳. منظومه حاجی میرزا سید ابوالحسن رضوی (م ۱۳۱۱ ه. ش). مشعر بر رد و اعتراض. نیز او

۱. بنگرید به الذریعة، ج ۱۷، ص ۱۳۳، ج ۴، ص ۱۱، ج ۹، صص ۸۴۹-۸۵۰، ج ۱۴، ص ۱۵.  
۲. الذریعة، ج ۱، صص ۴۹۰-۴۹۲، ج ۱۴، ص ۲۳۱، ج ۱۷، ص ۲۳۴، ج ۲۳، صص ۱۰۴-۱۰۵.

راست قصیده در معارضه با قصیده عینیّه بوعلی.<sup>۱</sup>

۴. ارجوزة فی الفلسفة العالیة: از سید کلب باقر نقوی جئسی نصیرآبادی حایری (م: ۱۳۲۹ هـ.) که چاپ شده و شاید همان منظومه او موسوم به ارجوزة فی الوجود باشد.

۵. ارجوزة فی الفلسفة العالیة: از حاج میرزا حسین علوی سبزواری (م ۱۳۵۲ هـ.) که نسخه خطی آن موجود است.

۶. شمعات العلوم: از ملا محمد حسن نائینی (م ۱۳۵۴ هـ.) در حدود ۱۰۰۰ بیت.

۷. تحفة الحکیم: از شیخ محمد حسین اصفهانی نجفی (م ۱۳۶۱ هـ.) قریب ۱۰۰۰ بیت و به چاپ رسیده است.

۸. مشارق الشمسین یا ارجوزة فی الفلسفة العالیة در ۵۰۰ بیت در طبیعیات و الهیات از شیخ محمد سماوی نجفی (م ۱۳۷۰ هـ.).

۹. فیض الباری یا اصلاح الهیات منظومه الحکیم السبزواری از سید هبه‌الدین شهرستانی (م: ۱۳۸۶ ق) که در آن به اصلاح و تصحیح ادبی و شعری منظومه سبزواری پرداخته است.

۱۰. دو قصیده شیخ محمد صالح مازندرانی سمنانی (م ۱۳۵۰ ش). وی برخلاف اکثر حکمت‌شناسان متأخر و معاصر، اصالت وجود را منکر بود و ابن سینا و بسیاری دیگر از فلاسفه اسلامی را مانند خود معتقد به اصالت ماهیت می‌شمرد و دو قصیده در استقبال از قصیده عینیّه ابن سینا سروده که در مجلد سوم از کتاب حجیم او حکمت بوعلی سینا چاپ شده است. یکی از آن دو در ۹۰ بیت و آغاز آن:

طلعت الیک النفس احسن مطلع مشعوفة بک و هی ذات تلوع

قصیده دیگر در ده صفحه نزدیک به دویست بیت و آغاز آن:

بزغت الیک من الفضاء الاوسع شمس اشعتها بهیّ المطلع

۱. تاریخ حکما و عرفای متأخر، (تحریر ثانی)، صص ۱۷۸-۱۷۹.

این حکمت‌شناس، قصیده عینیّه ابن سینا را نیز به شعر فارسی ترجمه کرده که نیز در مجلد سوم از کتاب مزبور منتشر شده است و آغاز آن:

سوی تو از فراز گشت روان      با فر و ناز آن کشیده میان

منظومه حاضر نیز که برخلاف غالب منظومه‌های متقدّم در قالب ارجوزه و مثنوی سروده شده، نظم نمطهای هشتم، نهم و دهم اشارات تصنیف شیخ الرئیس بوعلی سیناست که دوست دانشی و کوشای من، جناب آقای علی اوجبی آن را به نیکویی تصحیح کرده و مشتاقان حکمت را مرهون احسان خویش ساخته است. از خداوند مزید توفیق او و دیگر خدمتگزاران عرصه فرهنگ و معرفت را خواستار است. بمنّه و کرمه.

اکبر ثبوت

دی ماه سال ۱۳۹۹ خورشیدی



---

## پیش‌نوشتار

---

نزدیک به سه دهه از آشنایی نخستین‌ام با اشارات بوعلی می‌گذرد. در گوشه مدرسی که زنده‌یاد، حضرت علامه حسن‌زاده آملی - خدایش رحمت‌کناد - با آوای دلنشین‌اش جان مخاطبان را به ترنم در می‌آورد، از چرایی آن در حیران بودم. ذهن‌ام درگیر مفاهیم واژه‌ها بود و پس از هر درس در کشاکش گفتگو با استاد، برگه‌ها و سرگردانی‌ام افزوده می‌شد و نمی‌توانستم شیرینی مفاهیمش را بچشم. اما پای فشاری حضرتش مرا همواره بر این داشت تا بر توان ذهنی بیافزایم و باطنم را از زنگارها بزدایم تا شاید، اندکی شایسته پرده‌گشایی از این شاهد هرچایی حکیمان الهی باشم و از زیبایی‌هایش به‌رمند‌گردم.

نیکبختانه سالهاست که شنا کردن در اقیانوس بی‌کرانه معارف حکمی سینوی را می‌آزمایم. اعتراف می‌کنم هنوز کودکی نابلدم. اما شیرینی وصف‌ناپذیری که در عین رنجوری و ناتوانی با خوانش سطر به سطر آخرین شاهکار بی‌بدیل وی - اشارات و تنبیهات - می‌چشم را نمی‌توانم انکار کنم. با نوشیدن شراب‌گوارای اشارات‌اش سرمست می‌شوم و با چشیدن تنبیهات‌اش به خود می‌آیم. قفل‌های ناگشوده فراوانی برایم گشوده شده و مسیر معارف الهی برایم بسیار هموار گشته است؛ و این را بیشتر مدیون

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی ام. وجود نازنین وی بود که به این طفل دبستانی آموخت این سینا چه جایگاهی در میان حکما دارد و اشارات و تبهات چه منزلتی در میان آثار فلسفی؟ چرا ابن سینا همواره این اثر را به همراه داشت؟ اشارات یقیناً ابن سینای مکتوب است. گویا وجود عینی او در وجود کتبی سطرهای این اثر تجلی کرده است. در پس عبارتش می‌توانی به سده‌های پیش بازگردی و بخوبی ابن سینای واقعی را ببینی و با او همسخن و همنشین شوی. حال چرایی تاکیدهای پی در پی استاد آملی بر خوانش این متن کوتاه اما پر معنا را در می‌یابم. از این رو، تلاش خواهیم کرد تا آن‌گاه که توفیق رفیق باشد، از این نوشتار جاودانی جدا نشوم و در حدّ توانم با احیای آثار مربوط به آن، به مخاطبان علاقه‌مند به معارف حکمی یاری رسانم.

نخستین کوشش‌هایم در مسیر دشوار احیای شروح و متون وابسته به اشارات در سال جاری با تصحیح کتاب بشارات الاشارات سمرقندی به فعلیت رسید.

و اینک خدای را شاکرم که تحت عنایات خاصه او توانستم نسخه‌ای دیگری را که مخاطب را به فهم بهتر اشارات رهنمون خواهد ساخت، به زیور طبع بیاریم.

در اینجا بایسته است که نخست از محضر دکتر دینانی که با یادداشت خویش این اثر را مزین فرمودند و نیز حضرت استاد گرامی، جناب آقای اکبر ثبوت که با خوانش سراسر این کوتاه نوشت مرا به کژیهام آگاه ساخت و با نگارش مقدمه بر ارزش آن افزود. جناب آقای دکتر رحیمی ریشه که با گشاده‌رویی تصویر نسخه اساس را ارزانی داشت و نیز جناب آقای دکتر اکبر ایرانی، ریاست محترم مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب که با انتشار آن موافقت کرد، و همکاران واحد تولید (جناب آقای محمد باهر، سرکار خانم زهرا طاوسی منفرد و آقای محمود خانی) قدردانی نمایم. پایا و مانا باشید بمنّه و کرمه.

الاهی چو این نقش فرخ نهاد به آخر رسید، آخرش خیر باد

نیازمند رحمت پروردگار غنی

علی او جبی

زمستان سال ۱۳۹۹ خورشیدی

---

## مقدمه مصحح

---

### دورنمایی از شرح حال ناظم

سوگمندانه در منابع کتاب‌شناسی و تاریخی و فهرس، اطلاعات چندانی در باره زیست وی به چشم نمی‌خورد. جز اینکه: «ابونصر فتح بن موسی خضراوی» نام داشته. صاحب هدیه العارفین از وی با عنوان «الفتح بن موسی بن حماد بن عبدالله بن علی بن یوسف اموی جزیری خضراوی نجم الدین ابونصر قُصری مغربی شافعی» یاد می‌کند.<sup>۱</sup> اما در مجلد نخست<sup>۲</sup> به عنوان کوتاه «ابونصر فتح بن موسی خضراوی» بسنده می‌کند.

ناظم در سال ۵۸۸ ق در جزیره خضرای (اندلس) به دنیا آمد.<sup>۳</sup> نخست برای فراگیری فقه به دمشق رفت و به مقام فقاہت نایل آمد. سپس به بغداد مهاجرت کرد و در مدرسه نظامیه به تدریس اشتغال ورزید. در همان جا بود که سرایش دیوانی بر عهده‌اش گذاشته شد.<sup>۴</sup> در ادامه در مصر سکنا گزید و در اسیوط بر منصب قضا تکیه زد و در کنار قضاوت

---

۱. هدیه العارفین، ج ۵، ص ۸۱۴

۲. همان، ج ۱، ص ۹۴

۳. معجم المؤلفین ج ۸، ص ۵۰

۴. الاعلام، ج ۵، ص ۳۳۳

در مدرسه فائزیه مشغول به تدریس شد. مدتی هم در حماة سکونت داشت.<sup>۱</sup>  
او از معدود فقهای (شافعی مسلکی) است که افزون بر ادبیات (= عروض)، در منطق و حکمت نیز شهره بود.<sup>۲</sup>  
و سرانجام پس از سالها دانش‌اندوزی و تربیت شاگردان و آفرینش آثار به‌یادماندنی، قضاوت و..... در چهارم جمادی‌الاولی سال ۶۶۳ ق در اسیوط مصر، چشم از جهان فرو بست.<sup>۳</sup>

### آثار و نوشته‌ها

او به دلیل تسلط چشمگیری که بر علم عروض و قافیه داشته، به سراغ منابع گوناگون در حوزه‌های: عروض، تاریخ اسلام، فلسفه رفت و برخی از آثار مهم را به نظم درآورد:  
۱. منظومه‌ای در علم عروض  
۲. الوصول الی السؤل فی نظم سیرة الرسول: در واقع همان سیرة ابن هشام است که در ۸۱۸۳ بیت به‌نظم درآورده است.  
۳. شرح ابیات المفصل / نظم المفصل: در این اثر او به سراغ کتاب المفصل زمخشری رفته و شرحی به نظم بر آن نوشته است.  
۴. نظم الانماط المبدعات: اثر حاضر است که سه نمط (۸ تا ۱۰) اشارات را در قالب نظم در اختیار مخاطبان می‌گذارد. به دلیل اهمیت این اثر، نجم‌الدین محمد عبدالن دهمشقی حکیم (درگذشته ۶۲۱ ق) گزیده‌ای از آن را فراهم آورده است.<sup>۴</sup>

۱. الاعلام، ج ۵، ص ۳۳۳. ۲. هسان، ج ۵، ص ۳۳۳.

۳. معجم المؤلفین، ج ۸، ص ۵۰. نویسنده در انتهای شرح حال قصری افزون بر منابعی که در مقدمه بهره برده‌ایم، به دو کتاب دیگر از سیوطی: حسن المحاضرة، ج ۱، ص ۲۳۴ و بغية الوعاة، ص ۳۷۲ نیز ارجاع داده است.  
۴. هدیه العارفين، ج ۱، ص ۹۵.

## اشارات و تنبیهات

دایرة المعارف فلسفی اشارات و تنبیهات<sup>۱</sup> از آثار پایانی ابن سینا به شمار می آید که: در اوج پختگی، به انگیزه آموزش فلسفه اسلامی (منطق، طبیعیات و الهیات)، اما در ساختاری گزیده و به دور از درازنویسی، و گاه در غالب رمز و استعاره، - با رعایت تناسب معانی اصطلاحی با معنای لغوی - به نگارش درآمده است. اشارات نزد خود شیخ نیز جایگاهی ویژه داشته، شاهد آن اینکه در سالهای پایانی عمر خویش همچون کتابی بالینی همواره همراه خویش داشته است. او در یکی از نامه هایش در آن دوران، در پاسخ کسی که نگران نابودی این کتاب بوده،<sup>۲</sup> می نویسد: «از این مترس که کتاب تنبیهات و اشارات مفقود شود. زیرا همواره نسخه ای از آن را پیش خود نگه می دارم.»<sup>۳</sup>

البته او خود در آغاز و نیز در پایان این اثر، به دو نکته مهم تصریح می کند:

۱. متن اشارات به طور مستقل و نیز به همراه شرح خواجه و فخر رازی بارها چاپ شده است: - ژاکوب فرژه برای نخستین بار در سال ۱۸۹۲م در لیدن بر اساس نسخه های بادلیان، برلین و لیدن متن اشارات را منتشر کرد.

- سلیمان دنیا ابتدا منطق اشارات را با حاشیه و مقدمه در ۱۹۴۷م و سپس در سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ اشارات به همراه شرح خواجه در سه جلد حاوی منطق، طبیعیات و الهیات چاپ کرد.

- انتشارات حیدری در سال ۱۳۷۷ق در سه جلد متن اشارات را به همراه شرح خواجه و قطب الدین رازی و بعدها در سال ۱۴۰۳ق، دفتر نشر کتاب، همان را عیناً بازچاپ کرد.

- آیت الله حسن زاده آملی (ره) نیز متن اشارات را به همراه شرح خواجه در دو جلد در سال ۱۳۹۱ از سوی نشر بوستان کتاب به زیور طبع آراسته است.

- و سرانجام به کوشش مجتبی زارعی در سال ۱۳۸۱ منتشر شد.

افا به دلیل کاستی های فراوانی که بیشتر از اتکای محققان به ذوق و دانش شخصی آنان سرچشمه می گیرد، همچنان چشم به راه متنی انتقادی، درست و مستند به معتبرترین دست نوشته ها و نسخ خطی می باشیم. نگارنده سالهاست که به این مهم اشتغال دارد. در صورت رفع موانع، به خواست الهی، بزودی آن را در اختیار پژوهشگران قرار خواهد داد.

۲. این نگرانیها به جا بود. زیرا پیش از آن هم کتاب الحاصل و المحصول در ۲۰ مجلد و نیز الانصاف ۲۰ جلدی سرانجامی نامعلوم پیدا کردند و از دسترس پژوهشگران خارج شدند و اینک هیچ اثری از آنها

نیست. ۳. ر.ک: أرسطو عند العرب، ص ۲۴۵.

۱. برای متعلمان: این اثر را برای آن گروه از علاقه‌مندان فراگیری فلسفه نگاشته است که توان فهم آن را داشته باشند. از این رو کسی که فراگیری آموزه‌های فلسفی برایش دشوار باشد، اگر هم متنی روان‌تر و مفصل‌تر از اثر موجود در اختیار داشته باشد، باز بهره‌ای نمی‌برد. در برابر کسی که از تیزهوشی و فطانت برخوردار باشد و تشنه فراگیری آن، دریافت معارف تو در توی اشارات برایش آسان و گواراست و خود می‌تواند پس از لختی در ژرفای آن به شناگری پردازد.

۲. دیگری برای معلمان: و آن این که این سفره معنوی را نباید برای کج‌طبعان و کوردلان (= آنان که شرایط و ویژگیهای فراگیری فلسفه اسلامی را ندارند)، گشود، بلکه باید بشدت بر آنها بخل ورزید و خست روا داشت. زیرا:

تا نگردي آشنازين پرده رمزي نشنوي      گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش  
بنابر این:

بیا تا در می صافیت رازِ دهر بنمایم      به شرط آنکه نمایی به کج‌طبعانِ دل‌کورش  
او چهار ویژگی را برای فراگیران و جویندگان فلسفه اسلامی بیان می‌دارد:

۱. پاکی سریرت: یعنی توانمندی در حوزه عقل نظری و دریافت «هست»ها  
۲. استواری در سیرت: یعنی توانمندی در ساحت عقل عملی و دریافت و عمل به «باید»ها

۳. باطل‌گریزی: دوری از شتاب در لغزشگاه‌های معرفتی

۴. حق‌گرایی: استقبال از آموزه‌های درست و حق‌پذیری.

شیخ در سفارش پایانی خود از آموزگاران فلسفه می‌خواهد تا پس از آنکه در کسی این شرایط را یافتند، اندک اندک و بتدریج جان او را از حقایق معرفتی سرمست سازند و از او بخواهند تا قسم یاد کند که این دانش معنوی را در اختیار ناهلان قرار ندهد و بدین وسیله آن را تباه نسازد.

نام این اثر جاودانی برگرفته از عبارتهای آغازین شیخ است آنجا که می‌نویسد:

- عبارات آغازین منطق: ائی مهد الیک فی هذه الاشارات والتنبیہات

- عبارات آغازین طبیعیات: هذه اشارات الی اصول و تنبیہات علی جمل

به دیگر سخن: در واقع، این عنوانی است که به مرور زمان به اشتها رسید. شاهد آن اینکه همان گونه که در سطور پیشین گذشت، او در یکی از نامه‌هایش بر خلاف مشهور از این اثر خویش با عنوان التنبیہات و الاشارات یاد کرده است.

شیخ در این کتاب، عنوان «اشاره» را در بارهٔ مباحثی به کار می‌برد که بیانگر آموزه‌ای مهم، مستقل و اساسی و برهان‌پذیر باشد. در برابر، عنوان «تنبیه» را برای آن دسته از معارفی به کار می‌برد که بدیهی بوده و نیاز به اثبات، دلیل و استدلال نداشته باشند و تنها یادآوری و دست‌یابی به تصوّر درستی از آنها برای تصدیق و پذیرش‌شان کافی است.

او در اشارات در پی آموزش حکمت است. اما مقصود وی از «حکمت» متفاوت از معنایی است که در دیگر آثار فلسفی‌اش چون: شفا و نجات و ... به کار می‌برد. شیخ از منطق آغاز می‌کند سپس به طبیعیات می‌رسد و در ادامه به ماقبل طبیعت یا الهیات می‌پردازد و در پایان الهیات تلاش می‌کند تا زیرکانه در پیوند با بحث از «نبی» به «عارف» و ویژگیهای وی اشاره کند. بنابر این، حکمت در اشارات شامل: منطق، طبیعیات، الهیات و برخی از مبادی عرفان است. نه ریاضیات. این در حالی است که فارابی منطق را علم نمی‌داند و حکمت نظری را منحصر در سه دانش طبیعی، ریاضی و الهی می‌انگارد.

جزء نخست اشارات در علم منطق، حاوی ده «نهج» و جزء دوم در حکمت (طبیعیات و الهیات) شامل ده «نمط» است. از آنجا که شیخ در اشارات نیم‌نگاهی هم به معنای موضوع له و اثرها دارد، تلاش می‌کند در استفادهٔ آنها در اصطلاحات و نیز نامگذاری‌ها تناسب را رعایت کند. از این رو واژه‌ها را هوشمندانه به کار می‌برد. او فصول کتاب منطق اشارات را «نهج» می‌نامد تا با ماهیت منطق تناسب داشته باشد و به نوعی نمادین به آن اشاره کند. چرا که منطق دانشی است که مسیر درست اندیشیدن را معرفی می‌کند و «نهج» در لغت به معنای «راه» است. اما فصول طبیعیات و الهیات را «نمط» می‌نامد.

چراکه «نمط» به معنای سفره است. گویا فلسفه طبیعی و الهی، خوان گسترده معارف را در برابر جان مشتاقان شایسته می‌گشاید.

شیخ منطق اشارات را در قالب ۱۰ نهج و فلسفه آن را بر اساس ۱۰ نمط، سامان داده است.<sup>۱</sup>

همان‌گونه که گذشت، یکی از نوآوریهای ابن سینا در دایرةالمعارف فلسفی اشارات پرداختن به برخی مبانی عرفانی است. او در این اثر جاودانه نمطهای ۸ تا ۱۰ را به بهجت و سعادت، مقامات عارفان، و اسرار آیات (= اسرار خوارق عادات) اختصاص داده است. ارزش این قسمت‌ها به گونه‌ای است که حتی امام فخر رازی - بزرگترین منتقد او - نیز سرتعظیم فرود می‌آورد و نمط هشتم را این گونه می‌ستاید: «این باب، برترین ابواب کتاب اشارات است. زیرا ابن سینا در این باب، دانشهای صوفیانه را به گونه‌ای چیده است که نه پیش از وی کسی بدان نایل آمده و نه پس از وی کسی رایارای آفرینش چنین کاری هست.»<sup>۲</sup>

در اینجا خالی از فایده نیست که به درونمایه نمطهای یاد شده اشاره‌ای داشته باشیم:

### نمط هشتم

#### بهجت و سعادت

نمط هشتم، حاوی ۱۸ «تنبیه»، «اشاره» و «تذنیب» در باره بهجت [= شادمانی و لذت] و سعادت و نیکبختی است.

۱. لذتها و خوشیها دو گونه‌اند: باطنی و ظاهری؛ و لذت‌های باطنی نیرومندتر و فراترند.

۱. ر.ک: الاشارات والتنبيهات. آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی، ج ۱، صص ۲۱-۲۲.

۲. «ان هذا الباب أجل ما في الكتاب؛ فإنه رتب فيه علوم الصوفية ترتيباً ما سبقه اليه من قبله و لا لحقه من بعده.» شرح الاشارات والتنبيهات، ج ۳، ص ۳۶۳.

۲. اثبات نادرستی این گمانه که سعادت و نیکبختی، منحصر در خوشیهای حسی است.
۳. خوشی و درد چیست؛ و اینکه نیکبختی نفس انسانی، برتر از نفوس حیوانی و شقاوتش سخت‌تر و دردآورتر است.
۴. پاسخ این شبهه که «اگر کمال، لذت‌بخش بود، چرا تندرستی - که از مصادیق کمال و خیر است - لذت‌بخش نیست؟»
۵. پاسخ این شبهه که «چرا امور لذت‌بخش گاه ناپسندند، مانند شیرینی برای برخی بیماران؟»
۶. تنها علم یقینی به وجود لذت، مستلزم شوق‌مندی نیست. نیز علم یقینی به وجود درد، مستلزم دوری‌کردن از آن نمی‌باشد، بلکه احساس لذت، شوق‌آفرین و احساس درد، باعث دوری‌گزیدن از آن است.
۷. به صرف وجود آنچه دردآور است، درد به وجود نمی‌آید، بلکه باید افزون بر آن، درکش کرد. لذت نیز همین‌گونه است. تا درکش نکنی، به صرف وجود آنچه لذت‌آفرین است، لذت نمی‌بری.
۸. لذت و درد یقینی، موجب شوق به سوی لذت و احتراز از درد نیست!
۹. لذت عقلی، برتر از لذت حسی است.
۱۰. پاسخ این شبهه که «اگر لذت‌های عقلانی از مصادیق کمال باشند، نفس آدمی بدانها اشتیاق می‌ورزد و از ضد آنها دردمند می‌شود. در حالی که این‌گونه نیست.»
۱۱. اضرار کمال نفس - یعنی اسباب شقاوت - پس از مرگ نیز باقی خواهند بود و آدمی به دردی شدیدتر از درد حسی دچار خواهد شد.
۱۲. مراتب اشقیا
۱۳. تفاوت میان ناقصانی که عذاب خواهند کشید و ناقصانی که با عذاب روبرو نخواهند شد!